اخبار

پرسپولیس با گل طارمی به جایگاه سوم رسید

پرسپولیس در هفته بیستم لیگ برتر فوتبال با کسب پیروزی مقابل فولاد به رده سوم جدول صعود کرد. سرخپوشان تهرانی با گل مهدی طارمی در دقیقه ۱۳ فولاد را از پیش رو برداشتند تا ۳۴ امتیازی شده و به ادامه لیگ امیدوار شوند. پرسپولیسی‌ها روز گذشته مانند اکثر بازی‌های خود یک بازی هجومی را به نمایش گذاشتند و در همان دقایق نخست موقعیت‌های فراوانی را خلق کردند تا در ۱۳ دقیقه ابتدایی به گل برسند. پرسپولیس که استقبال تماشاگرانش خیلی‌ها را غافلگیر کرد در ادامه هم حملات خطرناکی را تدارک دید اما به علت وجود همان مشکل همیشگی یعنی نبودن دقت کافی مهاجمان نتوانست بیش از یک گل به ثمر برساند. مهدی طارمی با گل دیروز ۱۲ گله شد تا با فاصله ۴ گل نسبت به نفر دوم همچنان جایگاه خود را در صدر گلزنان لیگ برتر تثبیت کند. همچنین نتیجه ۳ دیدار دیگر هفته بیستم که دیروز برگزار شد به شرح زیراست:

سپاهان اصفهان یک - سایپا ۲

گل‌ها: میلاد میداوودی (۵۹) و علی زینالی (۷۸) برای سایپا و پریرا (۹۲) برای سپاهان

استقلال خوزستان یک - تراکتورسازی تبریز یک

گل‌ها: علی‌اصغر عاشوری (۱۴) برای استقلال خوزستان و محمد ایرانپوریان (۸۲ - پنالتی) برای تراکتورسازی

پدیده مشهد صفر - صبای قم صفر

■■■

کی‌روش برای کمک به کفاشیان استعفا داد

کارلوس کی‌روش اعلام کرد فردا استعفای خود را به تاریخ یازدهم اردیبهشت تقدیم رئیس فدراسیون خواهد کرد. پس از پایان دیدار تیم‌های پرسپولیس و فولاد سرمربی تیم ملی فوتبال ایران در گفت‌وگویی اظهار کرد: فردا برگه استعفای خود را به تاریخ یازدهم اردیبهشت و در روز انتخابات فدراسیون فوتبال تقدیم آقای کفاشیان خواهم کرد. این تصمیم برای کمک به ایشان است چرا که اگر من را اخراج کند مردم و بازیکنان علیه‌اش خواهند بود و اگر من را نگه دارد اسدی، رئیس‌اش و گروهی که با اسدی هستند به مخالفت با ایشان خواهند پرداخت که این موضوع مشکل بزرگی برای رئیس فدراسیون خواهد بود. به همین دلیل فردا استعفای خودم را به تاریخ یازدهم اردیبهشت به ایشان تقدیم خواهم کرد.

■■■

فسخ قرارداد مربی ایتالیایی

فدراسیون دوچرخه‌سواری قرارداد مربی ایتالیایی تیم ایران در بخش سرعت را پس از ۴ ماه همکاری فسخ کرد. پس از عملکرد نه‌چندان مطلوب دوچرخه‌سواران سرعت کشورمان در مسابقات قهرمانی آسیا، فدراسیون کشورمان تصمیم گرفت به همکاری با «وینچنزو چچی» ایتالیایی ادامه ندهد و قرارداد این مربی ایتالیایی را فسخ کند. چچی ۴۹ ساله در مهر ماه ۹۴ قرارداد ۳ ساله‌ای تا بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا با فدراسیون دوچرخه‌سواری امضا کرده بود. اصغر خالقی، دبیر فدراسیون دوچرخه‌سواری در این باره به خبرنگار ورزشی گفت: پس از بازگشت تیم از مسابقات قهرمانی آسیا که در تایلند برگزار شد، تصمیم گرفتیم قرارداد مربی ایتالیایی را فسخ کنیم. وی درباره پرداخت حق و حقوق این مربی عنوان کرد: پول او را تا زمان هدایت تیم‌ملی پرداخت می‌کنیم و البته به احتمال فراوان مبلغ یک ماه دیگر را نیز به او خواهیم داد.

■■■

ملبورن ویکتوری به دنبال آندو

ملبورن ویکتوری به دنبال به خدمت گرفتن آندرانیک تیموریان کاپیتان تیم‌ملی ایران است. آندرانیک تیموریان کاپیتان تیم‌ملی ایران که در سایپا بازی می‌کند، به لیگ ایران بازگشته است تا قبل از بازی‌های حساس ایران در مرحله نهایی انتخابی جام‌جهانی روسیه در لیگ ایران بازی کند. در این بین روزنامه سان انگلیس خبر داده است تیم ملبورن ویکتوری از موفق‌ترین تیم‌های استرالیایی به دنبال به خدمت گرفتن آندرانیک تیموریان هافبک تیم‌ملی ایران است. اگر این انتقال صورت بگیرد، تیموریان به اولین لژیونر تاریخ فوتبال ایران در استرالیا تبدیل خواهد شد. البته این تیم استرالیایی که بشدت به دنبال جذب بازیکنی با تجربه برای پست هافبک دفاعی برای تقویت خود برای لیگ قهرمانان آسیا است، یک بازیکن ژاپنی را نیز مدنظر خود قرار داده است. تیموریان که ۹۷ بازی ملی برای ایران انجام داده است، اولین کاپیتان مسیحی تاریخ فوتبال ایران است که بزودی به باشگاه صدتایی‌های تیم‌ملی ایران خواهد پیوست. مارکوس تولیو تاناکا که ۴۳ بازی ملی برای ژاپن دارد، گزینه دیگر این تیم استرالیایی است که از بین این بازیکن و آندرانیک تیموریان، یک بازیکن به ملبورن ویکتوری خواهد پیوست.

تفاوت‌های کی‌روش و برانکو

فوتبال ما محتاج کدام است؟

مهدی طاهرخانی: مقایسه برانکو و کی‌روش شاید از همان ابتدایش صحیح و حرفه‌ای نباشد. دو مربی که هر کدام قیمت‌های متفاوتی دارند و کلا از دو سبک مجزا به حساب می‌آیند. اما نقطه اشتراک‌شان این است هر دو به مدت زمان تقریبا طولانی سرمربی تیم‌ملی فوتبال ایران بودند و مهم‌تر از آن در رسته مربیان موفق و «محبوب» خارجی قرار می‌گیرند. ولی بزرگ‌ترین تفاوت‌شان به نوع برخورد با «نداشته‌ها» مربوط می‌شود.

تمام دورانی را که برانکو زیر نظر دادگان در فدراسیون فوتبال ایران کار کرد را به یاد بیاورید. بزرگ‌ترین مشکلی که برای او به وجود آمد مربوط به پرداخت مالیاتش بود که دست آخر به همان بهانه به مدت ۱۰سال ترجیح داد هرگز وارد خاک ایران نشود. برانکو با هر شرایطی کار کرد، هرگز و هیچگاه درباره لباس تیم‌ملی و کیفیتش صحبتی نکرد، البته از شانس خوبش در آن زمان این برند سرشناس پوما بود که از ایران حمایت کرد.

اگر همان برهه قبل از جام‌جهانی ۲۰۰۶ را هم بررسی کنید می‌بینید برانکو حتی برای گرفتن بازیکنان بزرگش مثل دایی و یحیی با قائم‌مقام وقت باشگاه صبا وارد جنگ نشد و به گونه‌ای آرام و بی‌صدا عقب‌نشینی کرد. حالا آن دوران را فراموش کنید و به دوره فعلی بیایید. قبل از آغاز فصل او خواهان جذب یکسری بازیکن بود که به هر ترتیبی باشگاه نتوانست آنها را جذب کند. زمین تمرین پرسپولیس مناسب نبود اما او هیچ مصاحبه‌ای علیه باشگاه و مدیریت انجام نداد و سعی کرد با این وضعیت کنار بیاید. هنگام نقل و انتقالات نیم‌فصل اصرار داشت یک دروازه‌بان کروات حاضر در لیگ لهستان را جذب کنند اما علی‌اکبر طاهری نه این کار را انجام داد و نه موفق شد بیرانوند را بگیرد. اما باز هم صدایی از برانکو درنیامد. وقتی عوض برگزاری اردوی امارات، تیمش را به زمین چمن کچل کیش بردند فقط سرش را به نشانه تاسف تکان داد و گفت سعی می‌کنیم از همین وضعیت بیشترین بهره را ببریم. با این مختصات خاص است که نه دادگان هرگز با او دچار مشکل شد و نه علی‌اکبر طاهری که اصولا هیچ شباهتی به دادگان و اقتدارش ندارد. اما در این سو کارلوس کی‌روش برای پیشبرد اهدافش، چندان اهل مصالحه و سکوت نیست. شاید مجبور باشد دست آخر تیم‌ملی را در چمن نامناسب دستگردی و کمپ تمرین دهد اما اهل سکوت نیست. حساب کنید کارلوس کی‌روش سرمربی امروز پرسپولیس بود. آیا تعلل باشگاه در خرید دروازه‌بان را برمی‌تابید؟ آنقدر حجب و حیا به خرج می‌داد تا دست آخر مجبور به جذب یک گلر با دست‌کم با ۸ کیلو اضافه وزن شود؟ آنچه در پایان می‌ماند پاسخگویی سرمربی است. در انتهای فصل، هیچکس سکوت و دعوای برانکو و کی‌روش را به یاد نمی‌آورد بلکه تنها نتایج آنهاست که مبنای قضاوت قرار می‌گیرد. از این رو کی‌روش در پنجمین سال حضورش در ایران متوجه شده که باید با هر روشی شرایط را برای موفقیت خود و تیمش مهیا کند. بدون تردید مدیران ایرانی گزینه برانکو را ترجیح می‌دهند، چرا که با حداقل کاریزما هم می‌توان او را مدیریت کرد اما کی‌روش تفاوت اساسی دارد. او بسیار جاه‌طلب‌تر است و فهمیده که برای موفقیت در فوتبال ایران، باید سکوت را کنار گذاشت. بدون شک کیفیت پایین زمین تمرین پرسپولیس، هم در نتایج این تیم تاثیرگذار بوده و هم در تعداد مصدومیت بازیکنان این تیم، اما برانکو با سکوت با این وضعیت کنار می‌آید ولی کی‌روش همه فشارش را می‌آورد تا بالادستی‌ها عاقبت کاری برای کیفیت نازل چمن کنند. آخرین بار چه زمانی به صورت اساسی و درست چمن کمپ تیم‌های ملی بازسازی شد؟ اگر غرولندهای کی‌روش نبود آیا فدراسیون خودش را ملزم می‌دید در این باره با شهرداری تهران وارد معامله شود؟ تا امروز ده‌ها مصاحبه گوناگون مایلی‌کهن علیه کادر فنی تیم‌ملی منتشر شده است اما چند رسانه تا امروز به تفصیل گزارش دادند که ساختمان جدیدی که در محل کمپ تیم‌های ملی در حال ساخت و ساز است به اصرار همین کی‌روش بوده است؟ مرکز ارتقای بدنی بازیکنان ایران، مجموعه‌ای کاملا مجهز به نداشته‌های فوتبال ما که کمتر مربی‌ای ترجیح می‌داد سفارش ساخت و سازش را بدهد. نه کی‌روش آن را با خود به پرتغال می‌برد و نه کفاشیان مالکش است. آن می‌ماند برای پیشرفت فوتبال ایران. اگر برانکو عوض کی‌روش ۵ سال قبل با همین مبلغ قرارداد، سرمربی تیم‌ملی می‌شد آیا فشاری را به علی کفاشیان وارد می‌کرد برای الگوبرداری از منچستر و ساختن این مجموعه مدرن؟

■ **فوتبال ما کدام را می‌خواهد؟**

دو مربی با دو سبک کاری کاملا مجزا. اما در انتها به نفع فوتبال ایران است که سرمربی تیم‌ملی چه شکلی باشد؟ برخلاف آنچه منتقدان کی‌روش روی آن اصرار دارند او هرگز به خاطر گرفتن حقوقش هیچ یک از این جنجال‌ها را به پا نکرد.

علی کفاشیان در این باره بهترین منبع است. آنچه کی‌روش برای آن سکوت فوتبال را بر هم زد، ابزارهایی است که باید در اختیار فوتبال باشد اما به هر دلیلی نیست. تیم‌ملی اواخر اسفند ماه می‌خواهد یک اردو برگزار کند. شورای برون مرزی وزارت ورزش می‌گوید نباید به امارات برویم، حرف‌شان کاملا درست اما گزینه دیگر چیست؟ اگر عوض برانکو، کی‌روش یک ماه قبل با تیمش به جزیره کیش می‌رفت و وضعیت چمن آنجا را آنگونه خراب و افتضاح می‌دید آیا با سکوت از کنارش رد می‌شد یا با اعتراضاتش و متعاقبا جریان‌سازی درست رسانه‌ای، مسؤولان این جزیره را مجاب می‌کرد با هزینه دست‌کم چند میلیاردی، یک بار برای همیشه وضعیت چمن آنجا را درست کنند؟

اقتصاد مقاومتی که اینک به اشتباه در ورزش ما از آن به‌عنوان ریاضت اقتصادی یاد می‌شود یعنی عوض اینکه چند تیم ایرانی هزینه چند میلیاردی برای برپایی اردو در امارات (زمستان) و ترکیه (تابستان) کنند، همان پول خرج بازسازی چمن کیش (گرمسیری) شود و مجهز کردن مناطق سردسیری مثل سرعین.

این وظیفه مدیریت ورزش و فوتبال ماست اما اگر یک مربی آرام و انطباق‌پذیر با محیط بر مسند کار باشد بدون تردید هیچ مدیری خودش را ملزم به انجام این امور نمی‌بیند اما گزینه دیگر مثل کی‌روش با سازش‌ناپذیری قطعا باعث بر هم خوردن این رخوت می‌شود.

اینجاست که باید آرزو کرد کاش برانکو برای قهرمان کردن پرسپولیس پس از ۸ سال ناکامی، همانند کی‌روش زمین بازی تکراری را بر هم بزند. صدای اعتراضش را بالا ببرد نه برای دریافت حق و حقوق عقب‌افتاده، بلکه برای آنچه حق تیمش و میلیون‌ها هوادار است. محبوبیت آنها را هواداران تعیین می‌کنند نه مدیرانی که خودشان محتاج مدیریت‌هستند.

■■ کیوسک

سان

شاید چهارمی با من باشد

موندودپورتیوو

دیبالا و وراتی؛ با دی ان ای بارسا

اسپورت

فلورنتینو، بارسا را وتو کرد

آ.اس

رئال به دنبال پوگبا

گودرزی و پیش‌بینی‌های عجیبش؛ از برزیل تا برزیل

تابستان ۹۵ وقت حساب است

گروه ورزشی: سال ۹۵، سال المپیک است؛ سالی که مشخص می‌کند در همه ماه‌های از دست رفته، دست‌اندرکاران ورزش چه کرده‌اند تا رتبه هفدهمی ایران در المپیک ۲۰۱۲ لندن در بدبینانه‌ترین حالت ممکن تکرار و در خوشبینانه‌ترین شرایط رتبه‌ای بهتر از آن حاصل شود. البته «وزیر دانشگاهی ورزش ایران» دست به پیش‌بینی عجیبی زده و گفته کاروان ورزش ایران در «خوشبینانه‌ترین» حالت ممکن تنها می‌تواند ۶ مدال در ریو بگیرد. او در توضیح کامل پیش‌بینی خود گفته است: «ما در دوره قبل ۱۲ مدال دریافت کردیم. با احتساب سال ۲۰۱۲ براساس روندی که بعد از پیروزی انقلاب داشتیم میانگین هر دوره ۴ و نیم مدال است. اگر بخواهیم این آمار را بدون احتساب جهش ناگهانی کسب مدال در سال ۲۰۱۲ بررسی کنیم، میانگین کسب مدال ۳ و نیم است. عدد ۴ و نیم با نگاه علمی قابل تکرار است اما اگر خوشبینانه بگوییم ۶ مدال و اگر خیلی خوشبینانه‌تر نگاه کنیم کسب ۷ یا ۸ مدال هم می‌توان در نظر گرفت اما از این رقم تجاوز نخواهد شد البته در خیلی رشته‌ها حسب اتفاقات و تغییراتی که صورت می‌گیرد ممکن است برخی اتفاقات خاص بیفتد اما نباید جامعه را بیش از حد خوشبین کنیم و صحبت‌هایی بیان کنیم که منطبق با عقل نباشد. باید واقعیات را در نظر گرفت البته این مساله نباید مانع تلاش بیشتر ما شود». با خواندن صحبت‌های وزیر ورزش چند سوال مطرح می‌شود. اول اینکه گرفتن میانگین از مدال‌های کسب شده در طول تاریخ ورزش ایران بعد از انقلاب چگونه می‌تواند ملاکی باشد برای پیش‌بینی تعداد مدال‌ها در سال ۲۰۱۶؟ مگر قرار است با این همه هزینه‌ای که ورزش ایران این سال‌ها روی دست مردم گذاشته، کاروان ورزش ایران در سال ۲۰۱۶ همان نتایجی را بگیرد که مثلا ورزش ایران در زمان جنگ گرفته است؟ «علم» کجای این محاسبه «وزیر دانشگاهی» قرار گرفته، آن هم در شرایطی که گودرزی و همکارانش در وزارت ورزش در این سال‌ها همیشه شعار «کار علمی» سر داده‌اند؟ چگونه است که ورزش ایران می‌تواند در المپیک ۲۰۱۲، ۱۲ مدال بگیرد و بالاتر از بسیاری از کشورهای صاحبنام در رده هفدهم قرار بگیرد اما وزیر ورزش پیش‌بینی می‌کند با وجود هزینه‌های سرسام‌آوری که در این ۳-۲ ساله در ورزش کشور انجام گرفته تعداد مدال‌های ایران در المپیک ریو در «خوشبینانه‌ترین حالت» از ۷ یا ۸ مدال تجاوز نخواهد کرد؟ البته شاید مهم‌ترین بخش صحبت‌های گودرزی جایی است که او گفته باید پیش‌بینی‌ها «منطبق با عقل» باشد. وزیر ورزش در شرایطی گفته باید منطبق با عقل پیش‌بینی کرد که خود او پیش از جام جهانی برزیل و قبل از اینکه تیم‌ملی پا به بزرگ‌ترین آوردگاه ورزش دنیا بگذارد، پیش‌بینی کرد تیم‌ملی ایران، تیم‌های بوسنی و نیجریه را می‌برد و حتی شانس تساوی برابر آرژانتین را هم دارد. شاید از همان پیش‌بینی می‌شد اختلاف او با کی‌روش را به وضوح دید اما مشخص نیست آیا پیش‌بینی انجام گرفته توسط وزیر ورزش درباره نتایج تیم‌ملی منطبق با عقل بوده است یا خیر. جالب اینجاست که گودرزی در بخشی از پیش‌بینی‌اش درباره مدال‌های ایران در المپیک ریو گفته که «نباید جامعه را بیش از حد خوشبین کنیم و صحبت‌هایی بیان کنیم که منطبق با عقل نباشد. باید واقعیات را در نظر گرفت». دوباره با مراجعه به پیش‌بینی گودرزی از نتایج تیم‌ملی پیش از حضور در جام‌جهانی، باید از وزیر ورزش پرسید آیا آن حرف‌های شما براساس واقعیت بود و آیا آن حرف‌ها باعث خوشبینی در جامعه نشد؟ باید از او پرسید آیا آن پیش‌بینی غیرواقع‌بینانه از نتایج تیم‌ملی در دیدار با حریفانش در برزیل تنها برای «زدن» فوتبال نبود؟ به هر حال به نظر می‌رسد رویکرد متناقض وزیر ورزش تنها حکایت از یک مساله دارد و آن هم این است که گودرزی سخت نگران نتایج ورزش ایران در المپیک ریو است. او با این حرف‌هایش می‌خواهد این‌طور در تاریخ ثبت کند که ۱- پیش‌بینی نتایج ضعیف ورزش ایران (گرفتن ۷ یا ۸ مدال با توجه به درخشش ورزش ایران در المپیک قبلی نتیجه فوق‌العاده ضعیفی به حساب می‌آید) را کرده بود و ۲- کسب ۷ یا ۸ مدال واقعیت ورزش ایران است و نتایج درخشان المپیک لندن تنها یک استثنا بوده است. با همه این اوصاف و در شرایطی که ورزش ایران روزهای ناامیدکننده‌ای را در اکثر رشته‌های المپیکی پشت‌سر می‌گذارد، وزیر ورزش باید بداند نتیجه‌ای که در المپیک ریو ثبت می‌شود، دقیقا کارنامه او و همکارانش در وزارت ورزش است و نمی‌توان از الان با شانه خالی کردن، جلوی هرگونه حسابرسی را در روزهای پایانی تابستان ۹۵ گرفت.

یادداشت

وقتی مقصر همه ناکامی‌ها تیم‌ملی است

مایلی‌کهن؛ آقای پاسخ نگو!

حسین گلدوست: محمد مایلی‌کهن سبک تازه‌ای را برای «فرار رو به جلو» به نام خودش ثبت کرده است. او که در کنار وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و فدراسیون فوتبال نقش بزرگی در ناکامی تیم امید در رقابت‌های انتخابی المپیک داشته از روزی که تیم امید از قطر به ایران بازگشته در برنامه‌های مختلف رادیو و تلویزیون حاضر شده و تریبون روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها هم مدام در اختیار او قرار گرفته است اما سبک جدیدی در پاسخگویی ابداع کرده که بیشتر به «پاسخ‌نگویی» شبیه است. از او هرچه می‌پرسند، با سوال کننده جواب می‌دهد و در همه چیز کی‌روش را مقصر می‌داند. مثلا وقتی مجری شبکه خبر خیلی محترمانه از او پرسید آیا خاکپور را گزینه مناسبی برای تیم المپیک می‌دانستید، مایلی‌کهن در جوابی عجیب از مجری پرسید: «از چه نظر؟». یا وقتی از مایلی‌کهن پرسیده شد چرا خاکپور یک شب قبل از اعزام تیم امید به امارات در مراسم بدرقه این تیم شرکت نکرد و با مصاحبه تندش علیه رئیس فدراسیون فوتبال حاشیه‌های زیادی را برای تیم المپیک به وجود آورد، به کی‌روش اشاره کرد و گفت چرا درباره حرف‌های سرمربی تیم‌ملی علیه وزیر حرف نمی‌زنید! در ادامه خبرنگار از مایلی‌کهن پرسید که چرا تیم امید در این یک سال به همه رقبای اصلیش باخت که مدیر فنی سابق تیم امید در پاسخی جالب گفت چطور کسی نمی‌پرسد چرا تیم‌ملی در جام‌جهانی ۲۰۱۴ بین ۴ تیم چهارم شده است! مایلی‌کهن در چند ماه اخیر بشدت علیه کی‌روش جبهه گرفته اما از آن طرف سرمربی تیم‌ملی در سیاستی جالب توجه حتی یک‌بار هم پاسخ مایلی‌کهن را نداده است. از این موضوع‌های فوتبالی که بگذریم به حرف‌های اخیر مایلی‌کهن می‌رسیم؛ جایی که او تلاش دارد با صحبت‌هایش قبح گفت‌وگو با بی‌بی‌سی فارسی را بشکند. همین چند وقت پیش بود که مایلی‌کهن در مصاحبه‌اش با یکی از روزنامه‌های ورزشی از گفت‌وگویش با این شبکه معاند ایران دفاع کرد و گفت اگر وقت بیشتری داشت با بی‌بی‌سی بیشتر از این هم حرف می‌زد. او در اظهارنظری عجیب گفت که «شرمنده بچه‌های بی‌بی‌سی» شده که نتوانسته بیشتر از این با آنها حرف بزند. مایلی‌کهن با این مواضع تلاش کرده ذهن‌ها را از ناکامی تیم امید در انتخابی المپیک پاک کند اما واقعیت این است که این شکست به کارنامه مایلی‌کهن و سقوط با تیم‌هایی نظیر پیکان، شهرداری تبریز، گهر دورود و حذف با تیم‌ملی در انتخابی جام‌جهانی ۹۸ و ناکامی در انتخابی المپیک در سال ۲۰۰۳ اضافه می‌شود و پراکنده‌گویی‌های مایلی‌کهن علیه کی‌روش و انتقادهای عجیبش از تیم‌ملی هم نمی‌تواند تاریخ را عوض کند.

آمار

نقش طارمی در نصف رکورد پرسپولیس

پرسپولیس از هفته بیست‌وسوم لیگ چهاردهم تاکنون در تمام بازی‌های خود موفق به باز کردن دروازه حریفان شده و رکوردی رویایی را به ثبت رسانده است. بازی مقابل نفت مسجدسلیمان در خانه حریف اولین بازی پرسپولیس برای بر جا گذاشتن این رکورد بود و فعلا بازی با ذوب‌آهن آخرین‌اش. در ثبت این رکورد بازیکنان بسیاری نقش داشتند و البته کادر فنی و برانکو ایوانکوویچ در رأس آنها قرار دارند. از بین بازیکنان، مهدی طارمی که اکنون عنوان آقای گلی لیگ برتر را در دست دارد، نقشی ویژه در ثبت این رکورد ایفا کرده است. طارمی از ۲۷ بازی در ۲۳ بازی حضور داشته و در کل ۱۹۴۵ دقیقه به میدان رفته. ۵۱۰ دقیقه در ۸ هفته پایانی لیگ چهاردهم و ۱۴۳۵ دقیقه در ۱۹ هفته لیگ پانزدهم. این مهاجم توانمند فصل قبل ۴ گل برای پرسپولیس به ثمر رسانده است. مقابل راه‌آهن، استقلال خوزستان، سایپا و پیکان. او این فصل هم ۱۱ گل در دروازه حریفان جا داده. مقابل استقلال خوزستان، سپاهان، فولاد (۲ گل) سایپا، صبا، استقلال اهواز، راه‌آهن (۲ گل) پدیده و استقلال خوزستان. طارمی چندین پنالتی هم برای پرسپولیس گرفته که یکی از آنها توسط بنگستون در بازی مقابل تراکتورسازی منجر به گل شد. طارمی در ۱۸ بازی از ۲۳ بازی پرسپولیس، روی برد اثرگذار بوده و از این حیث نقش ویژه‌ای در موفقیت تیمش ایفا کرده است. آن هم با ۱۵ گل و ۳ پاس گل و پنالتی. پرسپولیس در طول این ۲۷ بازی ۴۰ گل وارد دروازه حریفان کرده که با توجه به نقش طارمی روی ۱۸ گل، می‌توان گفت آقای گل در حدود ۵۰ درصد از رکورد پرسپولیس و گل‌های این تیم تاثیر مستقیم گذاشته و نقشی غیرقابل انکار داشته است. پرسپولیس و طارمی اگر همین روند را ادامه بدهند می‌توانند رکوردی جهانی به نام خود ثبت کنند. رکوردی که با توجه به روند رو به رشد این تیم و قدرت خط حمله آن دور از دسترس نخواهد بود.